

دوهفته نامه الکترونیکی هدایت



www.hadinews.ir

کانال معیار در سروش @meyar.pb

معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سازمان بسیج مستضعفین

نشریه هدایت / شماره ۲۱ / نیمه بهمن ۱۳۹۸



◀ صف بندی انتخاباتی

تا آغاز رسمی تبلیغات نامزدهای انتخابات مجلس یازدهم فرصت اندکی باقی مانده است، اما هنوز وضعیت آرایش ها و صف بندی های نامزدها و جریان های سیاسی چندان روشن نیست؛ اصولگرایان که امید زیادی به پیروزی در انتخابات دارند و سخت به دنبال سرو سامان دادن ائتلاف در انتخابات هستند در حوزه های انتخاباتی، کمیته ای ۲۵۰ نفره از افراد شناخته شده و مورد اعتماد از اқشار گوناگون را تشکیل دادند تا در فرایندی ترکیبی از طریق نظرسنجی و نخبگی، به نامزد نهایی برسند. این اتفاق در بیش از ۲۰۰ حوزه انتخابیه افتاده و تکلیف کمتر از ۹۰ نامزد در شهرهای بزرگ باقی مانده است که گر کار هم در همین تعداد باقی مانده است؛ زیرا هنوز اختلافاتی در میان آنان وجود دارد و تداوم این اختلاف می تواند به ارائه دو لیست بیانجامد! آخرین خبر از این اردوگاه آنکه فرایند تصمیم گیری شورای ائتلاف در تهران توانست در نظرسنجی رایانه ای صورت گرفته میان بیش از ۷۰۰۰ نفر، از ۱۵۹ گزینه به ۹۰ نفر برسد و این فرایند تا رسیدن به ۳۰ نفر در روزهای آتی ادامه خواهد یافت. اما اردوگاه اصلاح طلبان از شرایط متفاوتی برخوردار است. اصلاح طلبان هرچند تلاش کرده اند تا با راه اندازی «نهضت ثبت نام» با دست پر و با حضور همه چهره های نام آشنای شان به میدان بیایند تا پس از مدت ها مجلسی اصلاح طلبانه در تراز مجلس ششم تشکیل دهند، اما حوادث آبان ماه موجب شد تا این پیام به بخشی از چهره های سیاسی اصلاح طلبان منتقل شود که تشکیل مجلسی اصلاح طلبانه رؤیایی دست نیافتنی است. این امر موجب شد تا نهضت ثبت نام در گام اول شکست بخورد و بخش عمده ای از چهره هایی که انتظار حضور آنان در انتخابات می رفت، در پایان آذر ماه از نام نویسی در انتخابات صرف نظر کنند! در این شرایط آنها یا از ارائه لیست کناره گیری می کنند که البته قطعاً بخشی هایی از این جریان که معتقد به حضور در انتخابات هستند وارد انتخابات خواهند شد یا با نقض شعار لیست خالص اصلاح طلبی که از ابتدا مطرح کرده بودند با جریان اعتدال و نزدیک به دولت ائتلاف خواهند کرد که اخبار منتشر شده درباره دیدار رئیس دولت اصلاحات و اعتدال و این سناریو را تقویت می کند. به نظر می رسد این بار برخلاف همیشه جریان سوم هم در انتخابات نقش محوری را بازی کنند، با توجه به نارضایتی مردم از عملکرد دو طیف سیاسی و همچنین گسترش فضای مجازی نیروهای مستقل و جریان های نوظهور مانند عدالت خواهان و... نیز از بازیگران اصلی این انتخابات خواهند بود.

◀ موضع بحث برانگیز!

یک جمله در گفتگو محمد جواد ظریف با نشریه آلمانی «اشپیگل» جنجالی شد! آقای ظریف در پاسخ به این سوال که «آیا احتمال مذاکره با آمریکا پس از ترور سردار سلیمانی کمرنگ شده است؟» می گوید: «خیر. من هرگز این احتمال را منتفی نمی دانم که افراد رویکرد خود را تغییر دهند و واقعیات را بپذیرند. برای ما فرقی نمی کند که چه کسی در کاخ سفید حضور دارد. آنچه اهمیت دارد، چگونگی رفتار آنهاست. دولت ترامپ می تواند گذشته خود را اصلاح کند، تحریم ها را بر دارد و به میز مذاکره بر گردد. ما هنوز در میز مذاکره باقی مانده ایم. آنها طرفی هستند که میز مذاکره را ترک کرده اند. ایالات متحده، آسیب بزرگی به مردم ایران وارد کرده است. روزی خواهد رسید که آنها باید این آسیب را جبران کنند. ما شکیبایی زیادی داریم.» جملاتی که دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا در واکنش به آن در توئیترش می نویسد: «وزیر امور خارجه ایران گفته که ایران خواستار مذاکره با آمریکاست؛ اما خواستار برداشته شدن تحریم هاست. نه ممنون!»

اما فارغ از آنچه له یا علیه آقای ظریف در ساعات و روزهای پس از جملات محمد جواد ظریف و واکنش ترامپ مطرح شد اینکه مسئله مهم و اساسی این است که پاسخ وزیر امور خارجه می تواند این مسئله را برای افکار عمومی و سران کاخ سفید تداعی کند که ترور سردار سلیمانی در مختصات دیپلماسی ایران تاثیر ندارد و تهران اقدامی تا این حد جنایات کارانه را نادیده می گیرد!

نادیده گرفتنی که می تواند عواقب سخت و نگران کننده ای داشته باشد چرا که وقتی دولتمردان آمریکا ببینند حتی پس از ترور شخصیتی همچون سردار سلیمانی تغییری در مواضع دیپلماتیک ایران به وجود نیامده است و تهران همان لحن، مواضع و رفتار پیشین را دارد، آیا برای دست زدن به جنایت های بیشتر تحریک نمی شوند؟

◀ نقشه آینده منطقه را مقاومت ترسیم می کند

عربستان برای هیئت دیپلماسی ایران به منظور شرکت در اجلاس سازمان همکاری های اسلامی با موضوع معامله قرن روایت صادر نکرد!

اقدامی که که پیام آن بسیار روشن است! و عبارت است از ترس رژیم وابسته سعودی از منطق مستدل جمهوری اسلامی ایران درباره مسئله فلسطین و مقبولیت نگاه جمهوری اسلامی به این موضوع در جهان اسلام! آنها به وضوح نگران این مسئله هستند که سیاست که با ارباب و روابط پشت پرده در حال پیش بردن هستند با میدان داری نظام جمهوری اسلامی و همراهی ملت های منطقه نقش بر آب شود! البته پر واضح است که اقداماتی چون عدم روایت برای دیپلمات های ایران اسلامی نیز نمی تواند کمکی به رفع ترس کارگزاران آمریکا در منطقه و جهان اسلام کند و آزاد سازی فلسطین قطعی است!

چرا که نیروهای مقاومت در سراسر منطقه تصمیم خود را برای غلبه بر دشمن گرفته اند و سناریو دو مرحله پایان دادن به غده سرطانی منطقه آغاز شده است. راهبردی که مرحله اول آن اخراج آمریکا از منطقه است!

موضوعی که پس از شهادت حاج قاسم سلیمانی و از اکسیر خون این سردار عزیز شتابی فزاینده گرفته است که نشانه آن را می توان در خیزش ملت عراق و نا امنی بی سابقه نیروهای پنتاگون در منطقه مشاهده کرد.

مرحله دوم آن نبرد نهایی با اشغالگران قدس شریف است نیروهای مقاومت هر روز بیش از گذشته برای این نبرد سرنوشت آماده شده و خواهند شد. تردیدی در این امر نیست که نقشه منطقه را نه طرح ترامپ و دلارهای نفتی حاکمان متحجر و وابسته، بلکه اراده ملت ها و مقاومت اسلامی رقم خواهد زد. نقشه ای که در آن فلسطین به فلسطینیان بازگردانده و قدس شریف آزاد خواهد شد.

مشارکت مردمی (انتخابات)

حضور مردم و مشارکت آنان در فرآیند سیاسی نظام اسلامی از دو منظر حائز اهمیت است؛ اول آنکه حضور مؤثر و مستمر مردم که اکثریت آنان معتقد و ملتزم به آموزه‌های اسلامی هستند، از روی کار آمدن افرادی که اعتقاد و التزامی به جمهوری اسلامی ندارند جلوگیری کرده، مانع از نفوذ عناصر مخل امنیت جامعه و نظام اسلامی خواهند شد. نتیجه دوم حضور مردم در صحنه‌های سیاسی مانند راهپیمایی‌های ۲۲ بهمن و روز قدس و شرکت در انتخابات مختلف، ارسال این پیام مهم به نظام سلطه و دشمنان نظام اسلامی است که نظام اسلامی همچنان از پشتوانه مردمی برخوردار است. این یعنی ایجاد قدرت بازدارنده که با کمترین هزینه، زمینه رشد و تعالی جامعه را فراهم می‌کند؛ به عبارت دیگر مقبولیت نظام سیاسی با حضور مردم تعمیق می‌یابد و به استحکام داخلی منجر خواهد شد.

امام خمینی رحمت‌الله‌علیه در خصوص حضور مردم در صحنه‌های سیاسی و اجتماعی مطالب صریحی فرمودند: «چنانچه سطح رأیتان از زمان سابق - خدای نخواست - کمتر بشود، بوق‌های تبلیغاتی خارج و شکست خورده‌های فراری به خارج خواهند گفت که ایران از اسلام رو برگردانده و از جمهوری اسلامی رو برگردانده است؛ و این تبلیغ در همه جا خواهد شد و این ممکن است در دنیا پایه‌های این جمهوری را سست کند.» (صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۲۶۱)، امام‌خامنه‌ای مدظله‌العالی معتقدند: «هر انتخاباتی که پُرشور شود، کشور را بیمه می‌کند.» (۱۳۷۷/۷/۱۵) همچنین تأکید دارند: «انتخابات که مظهر حضور مردم است، مظهر مردم‌سالاری دینی است، باید پشتوانه امنیت ما باشد. نباید اجازه داد که این چیزی که ذخیره امنیت است، پشتوانه امنیت است، به امنیت ما صدمه وارد کند.» (۱۳۹۰/۰۶/۰۹)

انتخابات موفق در تقویت قوای سه‌گانه تأثیر انکارناپذیری دارد؛ زیرا اقتدار نظام اسلامی متشکل از اقتدار اجزای آن خواهد بود. حکومت مجموعه‌ای از دستگاه‌ها و سازمان‌هایی است که بر اساس تقسیم کار منطقی صورت گرفته هر یک متکفل اموری می‌باشند که برآیند کارکرد همه آنها گردش مطلوب امور جامعه را رقم خواهد زد. در این میان هماهنگی و حمایت این اجزا از یکدیگر امری کاملاً معقول و بدیهی می‌نماید، اما بعضاً نگاه‌های بخشی و تک‌بعدی به مسائل از ناحیه برخی از مجریان امر، حاشیه‌هایی درست می‌کند که باعث هرز رفتن و هدر رفتن انرژی‌ها و امکانات کشور می‌شود و به میزانی که این موارد تشدید می‌شوند، جامعه دچار التهاب بیشتری شده و آرامش، جای خود را به ناآرامی خواهد داد. امام خمینی رحمت‌الله‌علیه با مشاهده مواردی از این نوع در زمان حیات خویش چنین هشدار داده‌اند: «شما باید توجه داشته باشید که هر قشری از این کشور تضعیف بشود، هر شخصی که در این کشور مسئول کاری است تضعیف بشود، هر ارگانی که در این کشور مشغول خدمت هست تضعیف بشود این تضعیف، تضعیف همه هست، و این انتحار است.»

نکته دیگر به حمایت مردم از این نهادها و سازمان‌ها برمی‌گردد. به میزانی که دستگاه‌های حکومتی مورد حمایت مردم واقع شوند به همان میزان قدرتمند شده و در ارائه خدمت به جامعه توفیق بیشتری کسب می‌نمایند. البته مردم در صورتی از این سازمان‌ها و نهادها حمایت خواهند نمود که اطمینان یابند آنها در مسیر خواسته‌های مردم و در جهت تأمین معیشت و صیانت از ارزش‌ها و باورهای اسلامی جامعه حرکت می‌نمایند. امام‌خامنه‌ای مدظله‌العالی در این خصوص تأکید دارند: «دولت‌ها در نظام اسلامی باید مورد حمایت مردم قرار بگیرند؛ حتی از سوی آن کسانی که به این شخص خاص در دولت رأی ندادند هم باید مورد پشتیبانی و حمایت قرار بگیرند؛ این حرف حقیقی و لب معنای انسجام اجتماعی و ملی در کشور اسلامی ما است» (۱۳۹۴/۰۱/۰۱)

پیشنهادها

پیشنهادهای این بخش را از گفتمان امامین انقلاب اسلامی بشنویم، اما قبل از آن این آیه شریفه را در مشارکت‌دهی مردم در امور یادآور شویم که می‌فرماید: «وَأْمُرْهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ» (و کارشان را به مشورت یکدیگر انجام می‌دهند).

امام خمینی رحمت‌الله‌علیه در باب وحدت می‌فرمایند: «الآن وقت این است که همه با هم دست به هم بدهیم؛ همه با هم تأیید هم را بکنیم. من تأیید شما را بکنم؛ شما تأیید مرا بکنید؛ ما همه تأیید دانشگاهی‌ها را بکنیم؛ دانشگاهی‌ها تأیید بازاری‌ها را بکنند؛ بازاری‌ها تأیید {دیگران} را بکنند؛ تا این کار {را} پیش ببرند؛ تا این آشفنگی‌ها کم‌کم رفع بشود؛ تا این موانع برداشته بشود.» امام خامنه‌ای مدظله‌العالی نیز در این خصوص می‌فرمایند: «امروز آن چیزی که لازم است برای ملت ما، اولاً اتحاد و اتفاق ملی است. دودسته کردن مردم، جدا کردن مردم، شعارهای تفرقه‌انگیز دادن میان مردم - به هر عنوانی - خطا است؛ این بر ضد منافع ملت ایران و بر ضد آرمان‌های ملت ایران است.» (۱۳۹۳/۱۰/۱۷) و تأکید دارند: «انتخابات، پرشور ... موجب می‌شود که کشور، هم مصونیت پیدا کند، هم اقتدار پیدا کند، هم امنیت پیدا کند.» (۹۲ / ۳ / ۸)

در این خصوص نکته حائز اهمیتی وجود دارد و آن اینکه اگر مردم احساس کنند غالب مسئولان در بخش‌های مختلف به جای خدمت به مردم و رفع مشکلات موجود در پی منافع خویش یا در حال دست‌اندازی به بیت‌المال هستند، طبعاً نمی‌توان از آنها انتظار مشارکت در صحنه‌های مورد نیاز را داشت. این تلقی خطرناک دقیقاً همان چیزی است که رسانه‌های بیگانه درصدد القای آن به جامعه هستند. حال اگر برخی از سخنوران و تریبون‌داران بر این القای نادرست اصرار ورزند و روند اعتمادزدایی را تشدید نمایند، قطعاً در مسیر کامل کردن پازل دشمن حرکت می‌کنند.

پایان انحطاط تاریخی

تاریخ دوپست سال گذشته ایران تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی تا حد زیادی تأثرانگیز است. حاکمان مستبد و دست‌اندازی‌های بیگانگان بر منافع و تمامیت ارضی ایران وضع تأسف‌باری را برای کشور رقم زده بود به‌گونه‌ای که از ایران کهن و مقتدر در طول تاریخ تنها نامی و خاطره‌ای مانده بود!

این در حالی بود که انقلاب صنعتی در گوشه‌ای دیگر از جهان و تولید علم در حوزه‌های مختلف، کشورهای مغرب زمین را در ریل پیشرفت قرار داده بود، اما حاکمان کشور ایران در پی خواسته‌های حقیر نفسانی خویش بودند و شرایط اجتماعی و فرهنگی و علمی کشور متأثر از بی‌سامانی حکومت در مسیر قهقرایی قرار داشت. بعد از مشروطه هم که امیدهایی برای اصلاح امور ایجاد شده بود، اختلافات سیاسیون و مذهبیبون از یک سو و جریان خزنده هویت‌زدایی از فرهنگ ملی و دینی، هدایت‌شده از سوی برخی کشورهای اروپایی، در نهایت به بازتولید استبداد در قالب پهلوی‌ها منجر شد که حدود ۵۷ سال دیگر و در شکلی جدید و با ظاهر متمدنانه ایران و ملت بزرگ آن را از قافله پیشرفت و تعالی باز داشت و با بزک کردن چند شهر بزرگ و خرید بعضی تجهیزات مدرن، ادای کشورهای رشدیافته را در آوردند.

اما واقعیت آن بود که با ورود برخی صنایع مونتاژی و برخی اقدامات رو بنایی، ایران به قافله کشورهای پیشرفته نپیوست و این واقعیت زمانی به تمامه رخ نمود که انقلاب اسلامی پیروز شد و پرده از فقر و محرومیت شهرها و روستاهای دور از مرکز برداشته شد و عمق و گستره کارهای بر زمین‌مانده عیان گشت. مقایسه تولیدات علمی، هنری، صنعتی، بهداشتی و درمانی، تجهیزات دفاعی و ... با میزان مشابه آنها در قبل از انقلاب اسلامی گویای واقعیت‌های انحطاط ایران است که با پیروزی انقلاب اسلامی این روند جنبه معکوس یافت چراکه مردم اراده کردند اوضاع را تغییر دهند، و تغییر دادند، همان‌گونه که خداوند فرمود: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (در حقیقت خدا حال قومی را تغییر نمی‌دهد تا آنان حال خود را تغییر دهند).

در یک قلم از روند پایان انحطاط، انقلاب اسلامی کشور با اکثریت بی‌سواد را به رتبه ۱۵ علمی جهان رساند و نرخ پوشش تحصیلی آموزش عالی را ۲۴ برابر کرد و تعداد زنان هیئت علمی دانشگاه‌ها را ۱۷ برابر کرده و تعداد زنان دانش‌آموخته دانشگاهی را از ۶ درصد قبل از انقلاب، به ۴۵ درصد رسانده است و ...

در معکوس‌سازی روند انحطاط، گام اول آن با پیروزی انقلاب اسلامی و اراده اقدام برداشته شده است، اما حرکت در مسیر بازیابی جایگاه تاریخی ملت ایران با موانع متعددی روبه‌رو است؛ زیرا نه تنها کشورهای دیگر بی‌کار ننشسته‌اند، بلکه قدرت‌های بزرگ همواره در حال سنگ‌اندازی و مقابله با پیشرفت‌های ایران هستند؛ بنابراین، جبران انحطاط گذشته نیازمند تلاش و مجاهدت

مضاعف جوانان این مرز و بوم است. مسیر این مجاهدت را رهبر حکیم ملت ایران مشخص کرده‌اند که در هر حوزه‌ای که قرار دارید فرمول سرآمدی در آن در یک جمله است: «الْعِلْمُ سُلْطَانٌ» «الْعِلْمُ سُلْطَانٌ؛ من وجده صال و من لم یجده صیل علیه» (علم، قدرت است، هرکس دانش را به دست آورد، می‌تواند قدرتمندی و قدرت‌نمایی کند و هرکس آن را نیافت به زیر کشیده خواهد شد).

یکی دیگر از حوزه‌های مهم در معکوس‌سازی روند انحطاط که مرتباً باید مراقبت شود حوزه فرهنگی است. فرهنگ کار و تلاش، امید به آینده، فرهنگ کار علمی میان دانش‌آموزان و دانشجویان و طلاب حوزه‌های علمیه، فرهنگ مصرف بهینه در مردم، فرهنگ تولید باکیفیت و ... همه از جمله مواردی است که صاحبان نظرهای بلند و دارندگان تربیون‌های با نفوذ باید اصلاح آنها را وجهه همت خود سازند.

وعاظ و مبلغان باید باور نمایند که تبیین موارد بالا و موارد مشابه آنها، عین تبیین مسائل دینی است؛ چراکه بیشتر این موضوعات در آموزه‌های دین اسلام مورد اشاره قرار گرفته‌اند.

تحولات شتابان

آمریکا و متحدین ریز و درشت او از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون ۳ راهبرد مشخص را علیه جمهوری اسلامی ایران طراحی و اجرا کردند:

الف) راهبرد تغییر ساختار و سرنوشت جمهوری اسلامی ایران که در این راهبرد انواع تهدیدات سخت را برای تحقق آن راهبرد به اجرا گذاشتند مانند ترور، حرکت‌های تجزیه طلبانه و در نهایت تحمیل جنگ به ملت ایران

ب) راهبرد تغییر رفتار، نظام سلطه در این راهبرد با بهره‌گیری از عملیات عمدتاً نرم تلاش داشت رفتار مسئولان و مردم را در راستای ترجیحات خود تغییر دهد.

ج) راهبرد مهار، در این راهبرد که در پی شکست دو راهبرد قبلی طراحی شده بود و همه تلاش آنها بر این بود که نظام اسلامی چنان درگیر مسائل درونی و چالش داخلی گردد که نتوان در تحولات پیرامونی و غرب آسیا نقش‌آفرینی نماید.

نگاهی به تحولات منطقه‌ای و پیشرفت‌های جمهوری اسلامی ایران در حوزه‌های مختلف، بیانگر ناکارآمدی و ناکامی نظام سلطه در پیشبرد راهبردهای آن در قبال ملت ایران است، لذا نوعی بازگشت به راهبرد اولیه در رفتار مقامات آمریکایی نسبت به جمهوری اسلامی ایران مشاهده می‌شود.

فشار حداکثری آنها که امروز در حوزه‌های مختلف از جمله در حوزه‌های اقتصادی، امنیتی، نظامی، فرهنگی و سیاسی مشاهده می‌شود و همچنین نوع اظهارنظرهای آنها بیانگر پیگیری راهبرد تغییر نظام است، هرچند در بازی‌های خود مطلب دیگری را بیان نمایند.

در این میان با توجه تحولات شتابان منطقه چند احتمال را باید مورد نظر داشت برای مواجهه با آنها آماده بود:

اول) ماجراجویی‌های دوباره آمریکا در منطقه؛

دولت آمریکا با ترور حاج قاسم شهید نشان داد در مواجهه با واقعیت‌های منطقه چندان عقلانی تصمیم نمی‌گیرد و حاضر است منافع ملی کشور خویش را فدای منافع افراد چون ترامپ نمایند و هزینه این ماجراجویی‌ها را با جان سربازان آمریکایی و البته مردان بیگناه مسلمان منطقه پرداخت کند

لذا در این شرایط بحرانی منطقه، از طرح موسوم به معامله قرن نیز رونمایی می‌کند، که جز ترامپ و نتانیاهو ذینفع دیگری ندارد و قطعاً به تشدید درگیری‌ها و التهابات در منطقه منجر خواهد شد.

از این رو می‌توان پیش‌بینی کرد که ماجراجویی‌های آمریکا و اسرائیل بعد از اعلام معامله قرن و واکنش‌های احتمالی جبهه مقاومت در غرب آسیا و خصوصاً در مناطق فلسطینی، گسترش یافته و خشونت‌ها نیز دامنه بیشتری پیدا نماید.

دوم) مصوبه مجلس عراق برای اخراج آمریکاییان از کشورشان که به دنبال عملیات تروریستی نیروهای امریکا در به شهادت رساندن حاج قاسم و ابومهدی صورت گرفت با مخالفت دولت آمریکا مواجه شده است و به عبارت دیگر آنها با زبان خوش حاضر به ترک عراق نخواهند بود و این امر طبعا نیروهای مقاومت عراق را به واکنش و خواهد داشت و از آنجا که آمریکا در لفاظی‌های خود جبهه مقاومت عراق را وابسته به ایران معرفی می‌کند، ایجاد چالش‌های جدید و ماجراجویی‌های تازه از طرف آمریکا در منطقه را محتمل تر می‌نماید، اما آنچه که محرز است نیروهای آمریکا در صورت استنکاف از خروج از عراق با واکنش ملت عراق مواجه خواهند شد که نمونه ای از آن را در راهپیمایی عظیم مردم عراق در مخالفت با حضور سربازان امریکا در عراق مشاهده کردیم.

سوم) اپوزیسیون بازی برخی از مسئولان؛

برخی از مسئولانی که کمتر مسئولیت شناس هستند در حرکتی که پیشتر یک مضحکه مضمّن کننده است با نوع سخنان و مواضع خود، ادای اپوزیسیون در می‌آورند. این حرکت اگر از سوی چند بازیگر کم‌سواد رخ دهد یا یک ورزشکار نمک شناس، چندان تعجب برانگیز نیست اما درک چنین رفتاری از سوی افرادی که باید حافظ منافع ملی و انسجام ملی باشند، آسان نیست. در این باره برخی تحلیلگران چنین رفتاری را در ادامه ماجراجویی‌های آمریکا ارزیابی می‌نمایند هر چند در این باره نمی‌توان همه تحرکات داخلی از نوع اپوزیسیون بازی را در این راستا ارزیابی نمود، اما نتیجه عمل آنها چندان تفاوتی ایجاد نمی‌کند. لذا هوشیاری جامعه مقابل تحرکات فوق اهمیت مضاعف می‌یابد. بسا آنکه برخی ها در یک تقسیم کار نانوشته وظیفه تشدید دوقطبی‌های دروغین را در داخل برعهده گرفته باشند.